

بررسی راهبردهای محیط شهری با رویکرد حقوقی بر پیشگیری از جرم در شهرستان نورآباد ممسنی

عبدالله میرفردی^۱، سید احمد رضوی^۲

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد گروه حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد فراهان

^۲ مدرس گروه حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نورآباد ممسنی

چکیده

یکی از مسائلی که امروزه شهرهای بزرگ با آن مواجه هستند، رشد بی رویه جمعیت و به تبع آن رشد بزهکاری در آن ها است. از دیرباز شناسایی عوامل بروز جرم و سعی در از بین بردن این عوامل مهم ترین راهکار پیشگیری از بروز ناهنجاری ها شناخته شده است. پژوهش حاضر با هدف بررسی راهبرد های محیط شهری با رویکرد حقوقی بر پیشگیری از جرم در شهرستان نورآباد ممسنی اجرا شده است روش اجرای تحقیق توصیفی- پیمایشی بوده و جامعه آماری پژوهش تعداد ۱۸۷ نفر از پرسنل ناجا در شهر نورآباد می باشد که در زمینه پیشگیری از جرم و بزه فعالیت مستمر داشته اند و نمونه آماری تعداد ۴۷ نفر از افراد نامبرده می باشد که در بین آنها پرسشنامه توزیع گردید همچنین ابزار پژوهش در این تحقیق پرسشنامه ۲۳ سوالی بر اساس فرضیات تحقیق می باشد. یافته ها نشان دادند که شلوغی محیط شهری، گمنامی در محیط شهری، ارتباط با دوستان و همسالان ناباب در محیط شهری و کاهش کیفیت زندگی در محیط شهری بر ارتکاب جرم تاثیر مثبت و معناداری دارند.

واژه‌های کلیدی: راهبرد های محیط شهری، جرم و بزهکاری، پیشگیری از جرم، افزایش امنیت اجتماعی، شهرستان نورآباد ممسنی.

مقدمه

جرم علاوه بر هزینه های اجتماعی و روانی، هزینه های اقتصادی قابل توجهی را نیز به دولت و شهروندان تحمیل می کند. پیشگیری از جرم ضرورتی انکارنشدنی است که میتواند از بار هزینه هایی که نظام عدالت کیفری و شهروندان برای تعقیب، محاکمه و اجرای مجازات متحمل می شود، بکاهد. فضاهای عمومی، به عنوان یکی از وضعیت ها و موقعیت هایی که بسیاری از میان کنش های بین افراد جامعه در آن ها اتفاق می افتد، می توانند به واسطه طراحی نامناسب، فرصت ارتکاب بسیاری از جرائم را فراهم آورند. می توان گفت رسیدن به امنیت اجتماعی می تواند یک راهبرد مهم محیط شهری برای کاهش جرایم باشد و از طرف دیگر امروزه اعتقاد بر این است که کیفیت زندگی اجتماعی و شهرسازی (ساختار شهری) بر منش و خلق و خوی انسان ها تأثیر فراوانی می گذارد، از این رو در طراحی شهرها باید به الگوهای معماری اسلامی و ایرانی که متناسب با ویژگی های اجتماعی و فرهنگی کشور هستند، توجه شده و در الگوبرداری از طراحی های سایر کشورها باید مراقب باشیم که از هویت اسلامی خارج نگردد. (کوسان، ۱۳۸۴، ص ۳۲۳)

امروزه کیفیت زندگی افراد با میزان جرم در سطح شهرها ارتباط مستقیمی دارد در شهرهایی که مردم در رفاه و آسایش بیشتری زندگی می کنند معمولا کمتر گرایش به جرم و بزه کاری داشته اند همچنان که مشاهده می گردد معمولا افراد حاشیه نشین شهرها زمینه ساز جرم و بزه در درون شهرها هستند حتی آمار پلیس پیشگیری در شهر نورآباد موید این مساله می باشد. امروزه در شهرهای بزرگ معمولا سطح آمار جرایم بالاتر از سایر شهرها می باشد چرا که گمنامی افراد در این دسته از محیط های شهری به علت شلوغی زیاد بیشتر بوده و هویت افراد ناشناخته می باشد به همین علت است که می بینیم در شهرک ها و محیط های روستایی جرایم کمتری رخ می دهد گمنامی در محیط های شهری بزرگ زمینه ساز جرم و بزهکاری می باشد. شلوغی محیط شهری بر ساختار زندگی فردی و نوع زندگی نیز تأثیر منفی دارد همچنین باید گفت در محیط های شهری شلوغ معمولا زمینه سرقت و انواع جرم آدم ربایی و غیره را فراهم می کند. شهر نورآباد دارای ساختاری نسبتا قدیمی می باشد این ساختار شهری با توجه به اینکه در دشتی وسیع و گسترده و در بین کوههای زاگرس واقع شده از در قدیم الایام و حتی امروزه زمینه های جرم و بزه را فراهم کرده است مکان های مخروبه و معابر تنگ و تاریک و نوع معماری ساختمان های شهری از دلایل بروز پدیده جرم در شهر نورآباد شمرده می شوند مکان های مخروبه در سطح شهر وجود دارند که مکان هایی جرم خیز هستند واحد های آپارتمانی شهرک بهارستان، روشنی معابر و ساختمان های شهری این گونه شهرک ها در سطح شهر نورآباد از جمله عواملی هستند که مکان های جرم و امکان انجام اعمال مجرمانه را در این شهر کاهش می دهند. (حسینیون، ۱۳۹۲، ص ۲۴)

جرم شناسان امروزه نقش گروه همسالان را در شهرها بر افزایش جرایم موثرتر می دانند؛ زیرا از آنجا که گروه همسالان تأثیر قابل توجهی بر افکار، تصمیم گیری ها و انتخاب نحوه زندگی افراد در سنین نوجوانی دارد و حضور در گروه های همسال کجرو یکی از مهم ترین عوامل ارتکاب اعمال بزهکارانه به شمار می رود، لذا بررسی دلایل گرایش نوجوانان به گروه های همسال بزهکار و همچنین فهم این موضوع که این گروه ها چگونه باعث روی آوردن نوجوانان به بزهکاری می شوند، اهمیت بالایی دارد.

هرچند نوع و کیفیت زندگی و شهری در شهر نورآباد در کاهش یا افزایش بروز جرایم تأثیر زیادی دارد، اما باید با پیشگیری های وضعی و اصلاح ساختار شهری و فضا سازی های شهری، محیطی که می تواند زمینه های بروز جرم را فراهم کند، اصلاح و بر مبنای پیشگیری طرح ریزی شوند بعنوان مثال محله های سمت شرق از جرم خیز ترین قسمت های شهر نورآباد می باشد که کیفیت ساختمانهای این محله زمینه جرم زایی را فراهم می کند؛ و لیکن ایجاد دو شهرک بهارستان و واحد های آپارتمانی بنیاد جانبازان که دارای بافت جدید می باشد تا حد زیادی از بروز جرایم احتمالی کاسته است به طوری که در ورودی این شهرک ها معمولا نگهبانانی برای حراست از منازل مسکونی وجود دارند که نقش موثری در کاهش جرایم احتمالی دارند. همچنین ایجاد پلیس معماری می تواند نقش برجسته ای در اصلاح محیط های مجرمانه و پیشگیری از بروز جرایم در شهرها داشته باشد که به کاهش ورودی پرونده ها به دادگاه ها منجر خواهد شد. با همکاری معماران، شهرسازان و قوه قضاییه

می‌توان محیط‌های شهری را بر مبنای پیشگیری از جرایم طراحی و پایه ریزی کرد تا نتایج آن را در کاهش آسیب‌های اجتماعی شاهد باشیم. شهر نورآباد از جمله شهرهای قدیمی استان فارس می‌باشد که ساختار شهری آن نیاز اساسی به ترمیم و بهسازی دارد اساساً می‌توان بر نقش حاشیه‌نشینان شهر نورآباد بر میزان جرم و جنایت در شهر تاکید کرد به عنوان مثال در حاشیه شهر نورآباد به سمت محله جابه و موردابی و در سمت غرب شهر محله توتستان که کاملاً دارای بافت قدیمی است بر اساس ساختار شهری موجود بیشترین جرایم مواد مخدر (طبق گزارشات نیروی انتظامی) رخ داده است. در مجموع می‌توان گفت شهر نورآباد به عنوان یک منطقه جرم خیز که به صورت بحرانی باشد بحساب نمی‌آید و لیکن سطح جرایم در آن بالا می‌باشد. شهرسازی و نیز شکل ساختمان‌ها رابطه مستقیمی با جرم دارد. (صالحی، ۱۳۸۷، ص ۵۶)

قدر مسلم آنست که ساختار شهرها نقش موثری بر افزایش جرایم دارند و اساساً در شهر نورآباد این مساله به وفور نیز قابل رویت است افزایش جرایم مواد مخدر خرید و فروش آن استفاده و خرید و فروش مشروبات الکلی در شهر نورآباد نیز وجود دارد و از طرف دیگر آب‌هوا و ساختار شهر بر افزایش این نوع جرایم تاثیر فراوان دارد پیشگیری از این جرایم مستلزم شناخت بهتر ساختار شهر نورآباد و آسیب‌شناسی مساله انواع جرایم ناشی از ساختار شهری در تمام نقاط این شهر می‌باشد بررسی فرایند راهبرد های ساختار شهر نورآباد با توجه به بافت فرسوده شهری آن نیاز اساسی به بررسی و نوسازی مجدد دارد که رفع این معضل در کاهش جرایم نقشی اساسی ایفا می‌کند.

از این روست که برخی کشورها در حوزه معماری جنبایی به گونه‌ای علمی عمل می‌کنند و در طراحی ساختمان‌ها و شهرها توجه ویژه‌ای به این موضوع دارند که این توجه سبب جلوگیری از بروز جرم و جنایت تا حد ممکن می‌شود. به عنوان مثال، اگر به آمار پرونده‌های وارد شده به مراجع انتظامی و قضایی شهر نورآباد توجه کنیم، می‌بینیم که درصد قابل توجهی از جرایم ناشی از درگیری و نزاع ساکنان یک کوچه یا خیابان به واسطه نداشتن پارکینگ اختصاصی برای پارک وسیله نقلیه و همچنین فقدان خیابان‌ها و کوچه‌های متناسب با استانداردهای شهرسازی اصولی است و همین موضوع باعث بروز اختلاف و درگیری و درنهایت وقوع جرایم و ایجاد اخلاف در نظم اجتماعی می‌شود. احداث ساختمان‌های مسکونی در مکان‌های صنعتی و بازرگانی (مثال تراشکاری‌های سطح شهر از مرکز شهر تا میدان انقلاب) و به عکس، افزایش کارگاه‌های کوچک صنعتی و تولیدی در محلات مسکونی نیز بالا رفتن آمار وقوع جرایم را به دنبال دارد. از طرفی، آپارتمان‌سازی به شیوه کنونی، بدون رعایت استانداردهای اصولی مهندسی همچون عدم رعایت فاصله‌های میان واحدها، اشراف ساختمان‌ها به یکدیگر، مشاعات و ... به بسیاری از اختلافات موجود در مجتمع‌های مسکونی دامن زده است که باید با تصویب قوانین نظارتی و پیش‌بینی ضمانت اجرای کیفی مناسب، از بروز چنین بی‌احتیاطی‌ها و بی‌مبالاتی‌هایی جلوگیری شود. در حوزه شهرسازی نیز وضعیت ظاهری معابر شهری و فضای سبز تأثیر بسزایی در کاهش وقوع جرم دارد در پایان دو سوال مطرح می‌شود:

۱- آیا بسترسازی‌های ساختار محیط شهری با توجه به مقایسه بافت قدیم و جدید بر پیشگیری از جرم در شهرستان نورآباد ممسنی تأثیر دارد؟

۲- آیا ساختار محیط شهری بر افزایش امنیت اجتماعی شهروندان در راستای پیشگیری از جرم در شهرستان نورآباد ممسنی تأثیر دارد؟

سوابق و مبانی نظری پژوهش

۱- میرخلیلی (۱۳۸۷) در پژوهشی با عنوان توسعه شهرها و ضرورت پیشگیری وضعی از بزهکاری نشان داد یکی از شیوه‌های پیشگیری از بزهکاری، پیشگیری وضعی است که با ایجاد تغییر در محیط فیزیکی و شیوه‌های نظارت و کنترل، در صدد کاهش آمار جرم است. راهبردهای این شیوه، بخشی بر تغییرات محیطی، بخشی بر کنترل بزهکاران و بخشی دیگر نیز بر حفاظت از بزه‌دیدگان تمرکز یافته است. ویژگی‌های خاص جوامع شهری مانند تراکم جمعیت و کاهش نظارت، شیوه‌های معماری و شهرسازی و سیاست مسکن، معضل حاشیه‌نشینی، اثرگذاری بر موقعیت‌های مکانی جرم‌زا و استفاده از قابلیت‌های محلی در پیشگیری از جرم از جمله موضوعاتی است که مورد بحث قرار می‌گیرد.

۲- آسیایی (۱۳۹۳) در مقاله ای با عنوان تاثیر فضاهای شهری در پیشگیری از جرایم و ناهنجاری های شهری نشان داد جمعیت شهری دنیا بخصوص شهرهای کشورهای جهان سوم بی رویه در حال افزایش است. این رشد فزاینده و افسار گسیخته، ساکنین شهرها را با مشکلات فراوانی درگیر ساخته و باعث وقوع انواع جرایم و ناهنجاریهای اجتماعی شده است. در کشور ما نیز رقم جرایم در محدوده شهرها به وقوع می پیوندند بسیار بالا است. آنچه مسلم است این است که مکان، زمان و انگیزه مجرم عوامل اصلی پیدایش رفتار مجرمانه است. توجه به این عوامل می تواند تاثیر بسزایی در اتخاذ سیاست های پیشگیری از وقوع جرم ایفا نماید و به نظر می رسد در این میان نقش عامل مکان (محیط) بسیار تعیین کننده باشد در اینجاست که علم برنامه ریزی شهری به عنوان علم هدایت نحوه رشد شهرها و ساماندهی محیط های فیزیکی، اجتماعی، اقتصادی و ... برای بهبود شرایط زندگی و کاهش ناهنجاریها و در نهایت سعادت جامعه مطرح می گردد. این رویکرد می کوشد با ایجاد تغییرات در طراحی ها و برنامه ریزی ها مناسب مکانی به ویژه در حوزه شهرها، محیط را در برابر بزهکاری ها مقاوم نموده و با از بین بردن فرصت های مجرمانه در شهرها موجب کاهش میزان جرایم گردد.

۳- باقرزاده حسین آباد، (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان نقش بازسازی بافتهای فرسوده و ناکارآمد شهری در پیشگیری از وقوع جرم؛ با نگاهی به بافت فرسوده نشان داد یکی از پیچیده ترین مسائل در شهرهای جهان، نرخ بالای جرم و افزایش ناهنجاریهای اجتماعی در آنهاست. بروز انواع جرم و ناهنجاری، باعث ایجاد حس ناامنی و تحمیل مشکلات مالی بر دوش جامعه و دولت میشود. موفقیت در مبارزه با جرم و کجرویهای اجتماعی منوط به شناخت عوامل جرم زا است. پیشگیری وضعی، از کم هزینه ترین راهکارهای پیشگیری از وقوع جرم است که سعی دارد امکان ارتکاب جرم را از کسانی که دارای قصد و انگیزه مجرمانه هستند سلب یا وقوع جرم را بر خطر و دشوار نموده و یا با کاستن از جاذبه های مجرمانه از تحریک انگیزه های مجرمانه جلوگیری نماید. یکی از مناطقی که به دلیل عدم توجه به الزامات کالبدی، زمینه های لازم را برای آسیب های اجتماعی فراهم آورده اند، بافتهای فرسوده و ناکارآمد شهری هستند. این نقاط، با مشخصه های؛ فقدان روشنایی در معابر، کوچه های پیچ در پیچ و بن بست، وجود خانه های متروکه و مخروبه و غیر قابل سکونت به مکانهایی تبدیل شده اند که فاقد دید بوده و مأمّن مناسبی برای مجرمین بشمار می روند. فضاهای خلوت و مخفی در این بافتها باعث می شوند،

۴- امیری مائده عشریه رسکتی، (۱۳۹۴) در مقاله ای با عنوان نقش محیط شهری بر افزایش جرم در شهر تهران نشان داد با تشکیل اجتماعات بشری و شکل گیری شهرها، روند وقوع جرم رو به فزونی نهاده و هر چه این اجتماعات گسترده تر گردد، دامنه وقوع جرم نیز افزون می گردد و لزوم مبارزه با آن و برنامه ریزی در جهت پیشگیری از جرم، امری انکار ناپذیر و ضروری می نماید. شهرداری، مدیریت جهاد کشاورزی، اداره منابع طبیعی، اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی، اداره تربیت بدنی و ... از جمله دستگاه هایی هستند که با شهروندان بطور مستقیم ارتباط داشته و عدم برنامه ریزی مناسب و عملکرد ناثواب برخی از این دستگاه ها موجب گردیده تا بخش قابل توجهی از پرونده های متشکله در دستگاه قضایی مربوط به این دستگاه ها باشد. طراحی و جانمایی ساختمانها، توجه به مبلمان شهری و پارکهای عمومی، ایجاد تفرجگاههای عمومی در اراضی جنگلی خارج از شهرها، تعیین حریم روستاها و اجرای طرحهای هادی برای جلوگیری از تعرض به اراضی زراعی و باغ ها، تعیین حریم و مشخص نمودن محدوده اراضی ملی با تابلوهای هشدار دهنده، گسترش فضاهای ورزشی و مدیریت بر اماکن ورزشی به نحو غیر انتفاعی، برگزاری جشن های ملی و مذهبی با نگاهی فراتر از پرکردن اوقات فراغت، همه و همه از جمله اقداماتی است که بر عهده متولیان مدیریت شهری قرار داشته و اجرای صحیح آن می تواند نقش موثری در کاهش جرم ایفا نماید.

۵- جلالی سیدزاده ثانی، (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان ارزیابی پروژه مسکن مهر شهرستان بجنورد از منظر نظریه پیشگیری از جرم با طراحی محیطی پروژه ی مسکن مهر به عنوان یکی از انواع مسکن اجتماعی به منظور حمایت از اقشار آسیب پذیر جامعه در حواشی شهرها تعقیب گردید؛ اما آسیب پذیری گروه هدف این پروژه و ویژگی های عمومی پروژه ی مسکن مهر شامل حاشیه گرایی، کوچک سازی و بلند مرتبه سازی، نگرانی های جدی را مبنی بر افزایش آمار جرایم و ناهنجاری ها در سایت های مسکن مهر ایجاد می کند. به این منظور ۱۰ معیار به عنوان معیارهای موثر در کاهش جرم خیزی فضاهای شهری تعیین و با استفاده از روش تحلیل سلسله مراتبی و با رویکردی مشارکتی وزن دهی شدند. به موجب این ارزیابی نمره ی

پیشنهادی به سایت گلستان شهر از مولفه‌ی نظارت - و در بازه‌ی عددی ۰ تا ۱۰- برابر با ۱/۰۱، تعداد جمعیت ۱/۱۴، قلمروگرایی ۰/۴۴، حمایت از فعالیت‌های پشتیبان ۰/۲۵، مکان‌یابی ۰/۱۷، کنترل دسترسی ۰/۲۸، مدیریت و نگهداری ۰/۱۵، سخت‌کردن دست‌یابی به اهداف مجرمانه ۰/۲۳، خوانایی محیط ۰/۰۸، مقیاس انسانی ۰/۰۵ و کاهش آلودگی صوتی ۰/۱۴ است. در مجموع نیز، سایت مسکن مهر بجنورد از ۱۰ امتیاز، نمره‌ی ۳/۹۴ را در زمینه‌ی اصول طراحی محیطی کسب کرده است. این مساله لزوم اتخاذ تمهیداتی برای ارتقای ایمنی این سایت را بیش از پیش آشکار می‌کند.

۶- رضوی، ملک حسینی (۱۳۹۵) شناسایی عوامل محیطی تاثیرگذار در کاهش میزان سرقت از منازل در استان گلستان زمینه و هدف: سرقت از منزل جزو جرایمی است که به شدت امنیت عمومی را به مخاطره انداخته و به احساس امنیت عمومی، آرامش ذهنی و سلامت افراد آسیب می‌رساند. هدف اصلی این پژوهش، شناسایی ارزیابی کارشناسان و سارقان نسبت به عوامل محیطی تاثیرگذار در کاهش میزان سرقت از منازل در استان گلستان بوده است. یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان داد، متغیرهایی مانند شکل ظاهری ساختمان‌ها، شکل خیابان‌ها و کوچه‌ها، استفاده از فناوری، نوع طراحی محیطی، پلیس محله محور، ساختار فضای فرهنگی و اجتماعی محلات، واپایش مستمر نیروی انتظامی در محله، فضای فرهنگی موجود در بین ساکنان و متغیر ایمن‌سازی ساختمان‌ها در وقوع و پیشگیری از سرقت از منازل تاثیرگذار بوده‌اند.

اهداف تحقیق

هدف اصلی پژوهش

بررسی راهبرد های محیط شهری با رویکرد حقوقی بر پیشگیری از جرم و افزایش امنیت اجتماعی در شهرستان نورآباد ممسنی می باشد.

اهداف فرعی

۱. تعیین رابطه بین شلوغی محیط شهری و ارتکاب جرم.
۲. تعیین رابطه بین گمنامی در محیط شهری و ارتکاب جرم.

اهداف کاربردی

- ۱- ایجاد زمینه ای برای کاهش جرایم ناشی از ساختار شهری
- ۲- ایجاد زمینه ای برای افزایش امنیت اجتماعی در شهرک های جدید
- ۳- ایجاد زمینه ای برای تغییر بافت های قدیمی جرم زا به بافتی جدید.

سوالات پژوهش

- آیا بین شلوغی محیط شهری و ارتکاب جرم رابطه وجود دارد؟
آیا بین گمنامی در محیط شهری و ارتکاب جرم رابطه وجود دارد؟

فرضیات پژوهش

- بین شلوغی محیط شهری و ارتکاب جرم رابطه وجود دارد.
بین گمنامی در محیط شهری و ارتکاب جرم رابطه وجود دارد.

مفهوم لغوی بزه و بزهکار

بزه در لغت به معنای خطا و گناه می باشد. بزه یا بزهکار یک پدیده اجتماعی است که در محیط‌های مختلف به شکل‌های متفاوتی مشاهده می‌شود. شکستن نظم اجتماعی و انحراف از هنجارهای جامعه را بزهکاری تعریف کرده‌اند. (دهخدا، ۱۳۶۸: فرهنگ لغت ص ۴۴۱)

مفهوم اصطلاحی بزهکار

از دیدگاه روانکاو بزهکار کسی است که بزه یا بزهکار یک پدیده اجتماعی است که در محیط‌های مختلف به شکل‌های متفاوتی مشاهده می‌شود. شکستن نظم اجتماعی و انحراف از هنجارهای جامعه را بزهکاری تعریف کرده‌اند. از دیدگاه روانکاو

بزهکار کسی است که نیروهای غریزی در وجود او به خوبی اداره نشده است و ذهن آگاه فرد به خوبی بر نیروهای غریزی نظارت ندارد؛ بنابراین چنانچه ذهن آگاه نتواند راهی برای خروج نیروهای غریزی پیدا کند که مورد قبول جامعه باشد، فرد دست به رفتارهایی بر خلاف هنجارهای اجتماعی می‌زند و یا میان دو دسته از فشارهای درونی و برونی قرار می‌گیرد و دچار بزهکاری می‌شود. (حسینیون، ۱۳۹۲، ص ۱۳)

مفهوم رفتار بزهکارانه

رفتار بزهکارانه در هر جامعه‌ای توسط قوانین حقوقی و هنجارهای اجتماعی آن جامعه مشخص می‌شود. باید اذعان داشت که قرن‌هاست رفتارهای قتل، دزدی، تخریب، نزاع، کلاهبرداری، تجاوز، آتش افروزی و... به عنوان رفتار بزهکارانه پذیرفته شده است و همه جوامع برای آن تعریف مشخصی دارند. تنها تفاوت مشهود، نوع و میزان تنبیهی است که بر اساس قوانین حقوقی آن جامعه تعیین می‌شود. البته بزه را بر اساس ارزش‌ها و تعیین ارزش‌ها یا بر حسب زمان و مکان تعریف می‌شود. با رویکردهای مختلف به موضوع بزهکاری و تعریف حقوق معلوم می‌گردد که بزه از دیدگاه حقوقی، جامعه‌شناسی و جرم‌شناسی متفاوت است.

مفهوم لغوی جرم

جُرْم در لغت به معنای گناه، بزه و خطا بوده و از جُرْم به ذنب، اِثْم، سَیِّئَه، عِصیان و مَعْصیت نیز تعبیر می‌شود. (دهخدا، ۱۳۶۸: فرهنگ لغت ص ۴۴۸)

مفهوم اصطلاحی جرم

در اصطلاح عبارت است از هر نوع عملی که در شرع ممنوع، و دارای کیفر دنیوی، همچون حدّ، تعزیر، قصاص، دیه و کفّاره و یا اخروی باشد؛ خواه در ارتباط با خود مجرم باشد، مانند ترک نماز و روزه و نوشیدن شراب و یا در ارتباط با دیگری، همچون ضرب و جرح و کشتن کسی. در واقع به تعداد نویسندگانی که در پی تعریف این مفهوم برآمده‌اند، تعریف وجود دارد. اگر از تفاوت‌های فرعی بگذریم و تفاوت‌های اساسی را ملاک قرار دهیم، می‌توان در نوشته‌های اختصاص یافته به پیشگیری از بزهکاری، دو جهت گیری کلی را ملاحظه کرد: رویکرد موسع که «هر اقدامی» در زمینه مبارزه با بزهکاری، حتی پاسخ‌های کیفری (ضمانت‌اجراهای کیفری) و جبران خسارت از بزه دیدگان را پیشگیرانه محسوب می‌کند. در این رویکرد، در واقع فقط به نتیجه توجه می‌شود، یعنی هر روش، صرف نظر از محتوا، خواه کیفری، خواه غیر کیفری که منجر به کاهش نرخ بزهکاری می‌شود. البته تعریف پیشگیری، موضوع چندان آسانی هم نیست، زیرا غالب نویسندگان، به بررسی پیشگیری می‌پردازند، بدون آن که از قبل، نسبت به تعریف و توجیه آن اقدام کنند. از سویی، اگر بخواهیم از متونی که به دنبال نقد و بررسی این موضوع بوده‌اند، استفاده کنیم، کار دشوارتر خواهد شد، زیرا این متون عموماً تعاریف بسیار متفاوتی از موضوع ارائه می‌دهند. هر چند که این مسئله قراردادی است. (خوش‌نمک، ۱۳۹۰، ص ۷۹)

تأثیر محیط بر جرم

جرم و جنایت همواره در جوامع انسانی به طور مستمر و چشمگیر وجود داشته و جامعه‌شناسان و پژوهشگران حوزه اجتماعی همیشه به دنبال حل این معما بوده‌اند که چرا عده‌ای از افراد مرتکب جرم و بزه می‌شوند و هنجارها و قواعد اجتماعی را نادیده می‌پندارند. ضرورت‌توسل به روش‌های علمی جهت بررسی و شناخت عوامل مؤثر بر ارتکاب جرم، سبب شده جامعه‌شناسان و جرم‌شناسان به ارائه نظریه‌های گوناگون برای تبیین عوامل مؤثر بر جرم و انحراف و ارائه راه‌های پیشگیرانه مبادرت ورزند. (حیدری و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۱۱)

از نظر عده‌ای از اندیشمندان، مکان، انسان و زمان سه عنصر اصلی شکلگیری کجروی‌های اجتماعی است؛ بنابراین تفاوت در ساختار مکانی و خصوصیات رفتاری در کنار عامل زمان موجب می‌شود تا توزیع فضایی زمانی نوع و میزان جرایم در سطح شهر یکسان نباشد و در برخی محدوده‌ها به دلیل ویژگی‌های حاکم بر آن و خصوصیات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ساکنان آن، ارتکاب جرم بیشتر باشد. (حناچی، ۱۳۸۹، ص ۱۵۲)

براین اساس در این بخش ابتدا به بررسی مطالعات صورت گرفته در خصوص جرم و محیط و سپس به چگونگی تأثیر محیط بر وقوع جرم می پردازیم. در این خصوص به این سوال مهم باید پاسخ بدهیم که آیا وقوع هر جرمی با محیط فیزیکی خود ارتباط دارد؟ و اینکه در خصوص چه جرائمی باید به بحث از ارتباط محیط و جرم پرداخت؟

نظریه ی جبرگرایی محیط^۱

مکتب تحقیقی معتقد به وجود جبر علمی در مورد انسان است. «انریکو فری» یکی از بنیان گذاران این مکتب می گوید: در این جبر قطعی عوامل مختلفی باید مورد بررسی قرار بگیرند که عبارت اند از:

- عوامل انسانی یا فردی

- عوامل فیزیکی یا محیطی

- عوامل اجتماعی

به عبارت دیگر باید اولاً: بنیادهای مربوط به جسم و روان مجرم را مورد مطالعه قرار داد، ثانیاً: محیط فیزیکی چون آب و هوا، خاک، حرارت و شرایط جوی حاکم بر بزهکار باید مورد مذاقه قرار گیرد و بالاخره عوامل اجتماعی که بر مجرم حاکم می باشند چون مذهب، سطح فرهنگ، تشکیلات اقتصادی و سیاسی کشور باید مورد توجه واقع شوند. (حناچی، ۱۳۸۹، ص ۱۷۸)

از نظر «فری» عوامل فردی با عوامل اجتماعی جمع می شوند و از بزهکار که در اختیار قدرت های خارج از اراده اوست عروسک خیمه شب بازی می سازند بنابراین دیگر اراده ی مختاری وجود ندارد که بتواند مسئولیت ساز باشد. «فری» نتیجه می گیرد که مجازات ها قدرتی محدود برای مبارزه با جرائم دارند. بدین لحاظ به نظر وی پیشگیری از جرم و ایجاد اقداماتی که جانشین مجازات گردند صدها بار بر انتشار قوانین جزائی برتری دارند. «به طور کلی انریکو فری تأثیر محیط را بر جرم، به عنوان نقطه تمرکز نظریات خودش می شناسد و جهت پیشگیری از جرم نیز اقداماتی را پیشنهاد می کند که در برخی از آن ها توجه به امر مسکن و شهرسازی نیز ولو به صورت ضمنی دیده می شود». (فتوحی، ۱۳۹۱، ص ۲۵)

همچنین نظریه زیست بوم انسانی در مکتب شیکاگو^۲ توسط جامعه شناسانی مانند «پارک»^۳ و «برگس»^۴ مطرح شد. این دیدگاه یکی از مهم ترین نظریاتی است که به بررسی علل وقوع جرم می پردازد. نظریه زیست بوم انسانی به تأثیرات محیطی و کالبدی شهر در پیدایش نوع رفتار، پراکندگی گروه های قومی، فعالیت های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی شهر توجه دارد و در سیر تکوینی خود می کوشد اصول و ویژگی های مکانی مؤثر در شکل گیری ناهنجاری در حوزه های شهری را تبیین کند. (فتوحی، ۱۳۹۰، ص ۱۲۵)

جامعه شناسان مکتب شیکاگو از آغاز قرن بیستم برخی از رفتارهای انحرافی، مانند خودکشی، طلاق و فحشا را در شهر شیکاگو باهدف درک تأثیر عوامل جمعیت شناختی (مانند سن، خانوار، تراکم و مهاجرت) و عوامل بوم شناختی (مانند قومیت، نژاد و محل سکونت) مطالعه کردند. پارک معتقد است که نواحی شهری از پیشرفت و بهبود انگیزه های ساکنان جلوگیری کرده و باعث رواج انحرافات اجتماعی می شود و سازمان فیزیکی شهر تأثیر عمیق بر الگوهای فرهنگی اجتماعی زندگی شهری می گذارد. یکی از پیش فرض های اصلی «پارک» و «برگس» این است که آن دسته از حوزه های درون شهری تجاری و صنعتی که به لحاظ اجتماعی دچار بی سازمانی اجتماعی شده اند ارزش ها و سنت های بزهکارانه و جنایی را توسعه می دهند. (علی آبادی، ۱۳۹۱، ص ۴۶)

پیشگامان مکتب زیست بوم انسانی همه ی مسائل اجتماعی از جمله میزان جرائم را در تفاوت ها و خصیصه های مکانی جستجو می کنند مثلاً نقاط گردشگری و تفریحی درون شهرها و مکان های پر ازدحام نسبت به نقاط آرام جرم زایی بیشتری دارند. (عسگری، ۱۳۹۰، ص ۲۱)

1-Environmental determinish

1-Schicago school

2-park

3-Burgess

نظریه زیست بوم انسانی توسط جرم شناسان بعدی در مطالعه نواحی جرم خیز و علت آن، مورد مطالعه قرار گرفت. «کلیفورد شاو» از جمله کسانی بود که از نظریه پارک در مورد علل بزهکاری اطفال و نوجوانان در شیکاگو، استفاده نمود. وی در بررسی مسائل بزهکاری اطفال و نوجوانان به بررسی محله‌ها پرداخت. «شاو» از این پژوهش‌ها نتایجی به دست آورد که از جمله نتایج مرتبط با بحث می‌توان به دو نتیجه مهم اشاره نمود:

اول اینکه محله‌های نواحی صنعتی یا بازرگانی ویا محله‌های چسبیده به این نواحی دارای بالاترین نرخ‌های بزهکاری هستند، دوم اینکه میزان بالای بزه در مناطق خاص به دلیل نژاد، قومیت یا مهاجرت افراد ساکن در آن نیست بلکه همواره وبا هر ترکیب جمعیتی در آن مناطق، نرخ یکنواختی از جرم، در آن منطقه‌ها وجود دارد و شاید بالا بودن نرخ جرم در میان دسته خاصی مثل سیاه پوستان به دلیل الگوی توزیع مکانی آنان باشد که در مناطق جرم خیز وجود دارند و دلیل آن نیز قدرت اقتصادی پایین این دسته از افراد است که ناچار به زندگی در این مناطق هستند در این نظریه در کنار ساختار فیزیکی شهر به عوامل اجتماعی و فرهنگی در وقوع جرایم توجه شده است با این دیدگاه که این سازمان فیزیکی شهر است که تأثیر عمیقی بر الگوهای فرهنگی و اجتماعی زندگی شهری دارد. (گلی پور، ۱۳۸۹، ص ۱۲۸)

نظریات جرم شناسی مرتبط با فضای طراحی

در این پژوهش سعی در ارائه مهم ترین ودر عین حال جدیدترین دیدگاه‌های مرتبط با بررسی‌های محیط ارتکاب جرم در شهرها می‌شود. البته این دیدگاه‌ها مقدمه‌ای هستند برای ورود به بحث اصلی ما در خصوص معماری و شهرسازی، پس از شناخت کامل بحث فضای مصنوع به عنوان موضوع عام، می‌توان به بحث خاص معماری و شهرسازی وارد شده و مطالعات خود را بر روی این موضوع خاص قرار داد؛ بنابراین رویکرد ما در این قسمت مطالعات عام سکونت در شهر خواهد بود و بررسی مطالعات مربوط به معماری و شهرسازی و عناوین زیر مجموعه آن به بخش دوم در بحث از شناخت فضاهای غیر قابل دفاع موکول خواهد شد. (حیدری ۱۳۹۰ ص ۲۴)

مطابق این نظریه افزایش جرم و جنایت رابطه مستقیمی با افزایش تراکم جمعیت دارد. در سال ۱۹۶۸ انگلز^۱ در بررسی جرایم خیابانی کالیفرنیا، ارتباط بین جرم و تراکم جمعیت را اثبات نمود. به نظر وی تراکم فعالیت افراد در خیابان‌های شهر، باعث افزایش جرم می‌شود. فضای متراکم از انبوه جمعیت ناآشنا و غریبه محیطی مساعد برای تخطی از قواعد و هنجارهای زندگی شهری را فراهم کرده. چرا که جامعه به موازات گسترش یافتن و متراکم شدنش تسلط کمتری بر فرد دارد و در نتیجه دیگر به خوبی گذشته قادر نیست گرایش‌های ضد اجتماعی را مهار کند. (عبداللهی حقی، ۱۳۸۹، ص ۷۹) هنگامی که تراکم جمعیت از حدی تجاوز می‌کند، افراد فوق العاده پرخاشجو می‌شوند، زیرا حداقل سرزمین مورد لزوم برای شکوفایی در اختیار آنان نیست. این فرض بی‌گمان علت کثرت فوق العاده بزهکاری در مجموعه‌های پرجمعیت حومه شهرهای بزرگ را توجیه می‌کند. (عباسی ورکی، ۱۳۸۷، ص ۱۶۹)

در گزارش کمیته مأمور مطالعه در امر خشونت و بزهکاری فرانسه که تحت ریاست «آلن پرفیت» انجام شده توصیه می‌شود سیاستی اتخاذ گردد که به موجب آن سیاست، جمعیت شهرهایی که هنوز به حد ۵۰۰۰۰۰ نفر نرسیده از این رقم تجاوز ننماید برای وصول به این اهداف و جلوگیری از گسترش نسنجیده شهرها ضروری است که در کنار شهرها و در آن سوی کمر بند سبز، شهرک‌ها و شهرهای اقمار مانند، به وجود آید تا جمعیت اضافه در آن‌ها اسکان داده شوند همان طور که ملاحظه می‌شود در این نظریه صرفاً برعامل جمعیت تأکید می‌شود و سایر عوامل نادیده گرفته شده اند درحالی که جرم یک پدیده‌ای پیچیده است و محصول عوامل مختلف. (صفاری، ۱۳۹۰، ص ۶۹)

مطابق این دیدگاه امنیت در شهرها معلول شرایط اجتماعی-اقتصادی آن‌ها است. در شهرها تنوع قومی، فرهنگی و اقتصادی زیاد است و نمی‌توان تمام مشکلات امنیتی را به خود شهر و کالبد فیزیکی آن نسبت داد. شهرها در عین حال که بهترین خدمات اجتماعی را در خود جای داده اند بسیاری از معایب اجتماعی را نیز در بطن خود می‌پروراندند. وجود شرایط مختلف در شهرها از قبیل جمعیت و تراکم زیاد، وجود مهاجرانی با فرهنگ‌ها و نژاد‌های مختلف، تعداد زیاد مردان مجرد و جوان، اختلاف

طبقاتی، بیکاری شدید، بی سوادی، مشکلات اقتصادی و درآمدی، کمبود مسکن مناسب و مانند این ها از جمله عوامل زمینه ساز جرائم شهری محسوب می شوند. (صالحی، ۱۳۸۷، ص ۵۶)

نظریه ی طبقه بندی واحدهای مسکونی

دیدگاه فوق براین پایه استوار است که ارتکاب جرم در بین مستأجران و مالکان متفاوت است تا آن جا که «بالدوین» و «بوتومز» اظهار داشته اند که اجاره نشین ها تا اندازه ای زیادتر نسبت به مالکان خانه مستعد جرم هستند از نظر این دو دانشمند اختلاف طبقاتی که میان این دو گروه وجود دارد باعث ایجاد اختلاف در میزان جرایمشان می شود چرا که معمولاً مستأجران جزء طبقه ی ضعیف جامعه هستند ولی مالکان جزء طبقه مرفه جامعه محسوب می شوند. (شیری، ۱۳۸۹، ص ۸۸)

نظریه های محله را می توان مجموعه ای سازگار با رهیافت جرم شناسی محیطی دانست. رهیافت جرم شناسی محیطی توسط برانتیگهام ها در دهه ۱۹۷۰ با مطالعه مکان ها و محل های جرم گسترش پیدا کرد. آن ها پیش فرض عمومی مطالعات پیشین را که می گفت محل های مسکونی جنایی و جایگاه های جرم نیز از نظر فضایی یکسانند مورد انتقاد قرار دادند و براین نکته تأکید داشتند که مجرمان لزوماً ارتکاب جرم را در محیطی منحصر به فرد انجام نمی دهند (حسینیون، ۱۳۹۲، ص ۲۴).

برنامه پیشگیری محلی جرم، مبتنی بر دامنه وسیعی از نظریه هایی است که در مورد جرم شناسی در سطح محله و همسایگی صحبت می کنند در این دسته نظریات متفاوتی همچون نظریه بر سازمانی محله، نظریه توانا سازی محله و نظریه بازتولید محله قرار می گیرند. (شهبازی، ۱۳۸۳، ص ۱۳۶)

ریشه این نظریه در مطالعات لوئیس ورت تحت عنوان نظریه بی سازمانی اجتماعی قرار دارد. ورت براین عقیده بود که شمار زیاد جمعیت، تراکم بالا و ناهمگنی های قومی و نژادی در مناطق شهری، روابط انسانی سطحی، گذرا و گمنام تولید می کند. در عوض همین عوامل موجب افزایش اصطکاک و برخورد میان ساکنان مناطق شهری می شود که مستلزم کنترل و تنظیم اجتماعی فراوانی است این وضعیت منجر به ایجاد یک قشر بندی پیچیده از روابط اجتماعی می شود که در نتیجه، داشتن یک نوع درک فرهنگی مشترک را درهم می شکند. «شاو» و «مک کی» با افزودن دو متغیر دیگر که در برخی همسایگی های شهری یافت می شود، نظریه بی سازمانی محلی را مطرح کردند. این دو عامل مضیق اقتصادی و تحرک جمعیت است که منجر به ضعف کنترل و گسترش خرده فرهنگ های خشونت و در نهایت افزایش میزان بزهکاری می شود براساس این نظریه تراکم جمعیت و مهاجرت که موجب ناهمگنی های قومی و نژادی می شود به همراه عوامل اقتصادی منجر به افزایش جرم و جنایت در سطح شهرها می شود.^۱

نظریه ی محیط فقر^۲

این دیدگاه با تعیین شاخص هایی، چون کیفیت و نوع مسکن، میزان بیکاری و فقر و تعیین محیط های فقیر نشین شهر، رابطه این محیط ها را با میزان ناهنجاری، مورد بررسی قرار می دهد. بر این اساس محله های شلوغ و پر جمعیت حاشیه نشین که در نتیجه ایجاد خانه های محقر و کوچک ایجاد می شود، کانون بحران ها و معضلات اجتماعی هستند. فقر مادی و فرهنگی، ازدحام و شلوغی و بیکاری عدم دسترسی به مسکن مناسب از جمله عواملی هستند که زمینه را برای بزهکاری جوانان و نوجوانان فراهم می سازند و امنیت اجتماعی را کاهش می دهند.

در این دیدگاه به مکان های خاص شهر، که در آن میزان جرایم بیشتر از سایر مناطق است تأکید می شود. در شهرها برخی مکان ها به دلیل موقعیت خاص، ساختار کالبدی خاص و همچنین ویژگی های اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی ساکنان آن، عدم توازن بین جمعیت و امکانات موجود در شهرها امکان بیشتری برای وقوع جرم دارند. به عنوان مثال نقاط گردش و تفریحی درون شهرها و مکان هایی که دارای بیشترین ازدحام هستند، نسبت به نقاط آرام جرم زایی بیشتری دارند. مطابق این نظریه مناطق درونی شهرها که شرایط محیطی مطلوبی ندارند به همراه زاغه ها و حلی آبادی های اطراف شهر که دارای تراکم های بالا و نامناسب اند به عنوان مکان هایی با بیشترین میزان جرم و بزهکاری شناخته می شوند. (قدوسی، ۱۳۸۹، ص ۸۹)

1-Community Disorder theory

2-Distressed neighborhood

نوع روش تحقیق:

روش اجرای این پژوهش توصیفی - پیمایشی می باشد. گردآوری اطلاعات به دو روش کتابخانه ای - میدانی انجام شده است در اطلاعات میدانی از طریق پرسشنامه و اطلاعات اسنادی از طریق کتب و نشریات، مجلات علمی جمع آوری شده است. ابزار گردآوری داده ها پرسشنامه است که شامل پرسشنامه که بر اساس فرضیات طراحی خواهد شد در مقیاس رتبه ای طیف لیکرت دارد.

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات:

اطلاعات بدست آمده حاصل از پرسشنامه بر روی نرم افزار آماری SPSS کد گذاری شد و دو دسته آزمون توصیفی (شامل فراوانی، درصد و انحراف معیار داده ها) و آزمون استنباطی شامل آزمون تحلیل آزمون تی ساده تک نمونه ای و همبستگی و تحلیل رگرسیون چند متغیره با هدف بررسی فرضیات انجام گردید.

آمار و یافته های توصیفی**جدول ۱: توزیع فراوانی نمونه مورد مطالعه بر حسب جنسیت پاسخگویان**

جنسیت	شاخص ها	فراوانی	درصد
مرد		۴۴	۹۳.۶۱٪
زن		۳	۶.۳۹٪
تعداد		۴۷	۱۰۰٪

جدول فوق نشان دهنده توزیع فراوانی نمونه آماری مورد مطالعه بر اساس متغیر جنس می باشد، از مجموع ۴۷ نفر پاسخگوی مورد مطالعه ۹۳.۶۱٪ مرد و ۶.۳۹٪ زن بوده اند. درصد ها به نسبت جمعیت نمونه بدست آمده است.

جدول ۲: توزیع فراوانی سابقه کار پاسخگویان

سابقه کار	شاخص ها	فراوانی	درصد
زیر ۵ سال		۳	۶.۳۹٪
۶-۱۰ سال		۱۶	۳۴.۰۶٪
۱۱-۱۵ سال		۱۳	۲۷.۶۵٪
۱۶-۲۰ سال		۱۰	۲۱.۲۷٪
۲۰ سال به بالا		۵	۱۰.۶۳٪
تعداد		۴۷	۱۰۰٪

بر اساس یافته های جدول فوق، ۶.۳۹٪ بین زیر ۵ سال سابقه کار داشتند و سایر اعضای نمونه به ترتیب دارای ۶ تا ۱۰ سال سابقه (۳۴/۰۶ درصد) ۱۱-۱۵ سال سابقه (۲۷/۶۵ درصد)، ۱۶-۲۰ سال (۲۱.۲۷ درصد) همچنین ۲۰ سال به بالا (۱۰/۶۳ درصد) می باشند.

جدول ۳: جدول توزیع فراوانی نمونه مورد مطالعه بر حسب سن پاسخگویان

شاخص ها سن	فراوانی	درصد
۲۰-۳۰	۳	٪۶.۴
۳۱-۴۰	۲۱	٪۴۴.۶۸
۴۱-۵۰	۲۱	٪۴۴.۶۸
۵۱ به بالا	۱	٪۲.۱۲
پاسخ نداده	۱	٪۲.۱۲
تعداد	۴۷	٪۱۰۰

جدول فوق نشان دهنده توزیع فراوانی نمونه آماری بر اساس متغیر سن می باشد. از مجموع ۴۷ نفر مورد مطالعه، ۶/۳۹٪ بین ۲۰ - ۳۰ سال و ۴۴/۶۸٪ بین ۳۱ - ۴۰ ساله، ۴۴/۶۸٪ بین ۴۱ - ۵۰ سال سن داشته اند، ۴۴/۶۸٪، ۲/۱۲٪ از ۵۱ سال به بالا و همچنین ۲/۱۲٪ سن خود را اعلام نکرده اند. درصد ها به نسبت جمعیت نمونه بدست آمده است.

جدول ۴: جدول توزیع فراوانی نمونه مورد مطالعه بر حسب وضعیت تحصیلی پاسخگویان

وضعیت تحصیلی	فراوانی	درصد
دیپلم	۲	٪۴.۲۵
فوق دیپلم	۸	٪۱۷.۴
لیسانس	۳۲	٪۶۸.۰۸
فوق لیسانس	۵	٪۱۰.۶۳
تعداد	۴۷	٪۱۰۰

جدول فوق نشان دهنده توزیع فراوانی نمونه آماری بر اساس متغیر وضعیت تحصیلی پاسخگویان می باشد. از مجموع ۴۷ پاسخگو مورد مطالعه، ۴.۲۵٪ پاسخگویان دارای مدرک دیپلم، ۱۷/۴٪ فوق دیپلم، ۶۸.۰۸٪ لیسانس، ۱۰/۶۳٪ فوق لیسانس داشته اند. درصد ها به نسبت جمعیت نمونه بدست آمده است.

یافته های استنباطی

بین شلوغی محیط شهری و ارتکاب جرم رابطه وجود دارد.

جدول ۵: ضریب همبستگی بین شلوغی محیط شهری و ارتکاب جرم

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	همبستگی پیرسون	آماره همبستگی
شلوغی محیط شهری	۲.۱۱۷	۰/۲۶۲۳	ضریب همبستگی	۰/۳۱۹
ارتکاب جرم	۲.۴۱۴	۰/۵۵۴	معناداری	۰/۰۲

بر اساس نتایج حاصله از آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین شلوغی محیط شهری و ارتکاب جرم رابطه معنادار وجود دارد زیرا سطح معناداری $\text{sig} \leq .05$ قابل قبول است. لذا فرضیه فوق الذکر با قوت بالا مورد تأیید قرار می گیرد چون ضریب معناداری ۰/۰۲ می باشد پس فرضیه با ۹۸٪ اطمینان قابل قبول است.

بین گمنامی در محیط شهری و ارتکاب جرم رابطه وجود دارد.

جدول ۶: ضریب همبستگی بین گمنامی در محیط شهری و ارتکاب جرم

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	همبستگی پیرسون	آماره همبستگی
گمنامی در محیط شهری	۴.۰۲۴	۲.۵۰۱	ضریب همبستگی	۰/۴۱۲
ارتکاب جرم	۲.۴۱۴	۰/۵۵۴	معناداری	۰/۰۳

بر اساس نتایج حاصله از آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین ارتکاب جرم رابطه معنادار وجود دارد. لذا فرضیه فوق الذکر با قوت بالا مورد تأیید قرار می گیرد چون ضریب معناداری ۰/۰۳ می باشد پس فرضیه با ۹۷٪ اطمینان تأیید می شود.

جدول ۷: تحلیل آزمون تی میان مولفه های مورد بررسی

ردیف	شاخصها	آزمون	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار	مقدار T	سطح معنی داری	تعداد
۱	گمنامی در محیط شهری	۲/۱۵۵	۰/۴۲۵	۰/۲۰۸	۱/۶۳۶	۰/۰۲	۴۷	
۲	شلوغی محیط شهری	۳/۳۶۵	۰/۱۷۷	۰/۳۱۲	۰/۴۱۵	۰/۰۲	۴۷	

یافته های جدول آزمون تی نشان می دهد با توجه به مقایسه مقادیر میانگین ها گمنامی در محیط شهری (۲/۱۵۵) شلوغی محیط شهری (۳/۳۶۵) می باشند.

نتیجه گیری

وقوع جرم، علاوه بر بزهکار و بزه دیده، به مکان وقوع جرم نیز نیاز دارد. جرایم در مکان رخ می دهند، از این رو این اندیشه به ذهن خطور می کند که اتخاذ تدابیر پیشگیری از جرم در خصوص محیط نیز ضروری می باشد. همانطور که می دانیم مجرمین معمولاً در انتخاب هدف مجرمانه خود تصمیمی عاقلانه گرفته و برای این کار نوع جرم، زمان، جاذبه ها و امکانات مکان را برای ارتکاب عمل مجرمانه در نظر می گیرد؛ بنابراین از آنجا که عوامل محیطی باعث ایجاد انگیزه، رغبت، کشش و قصد مجرمانه در فرد می شوند، طراحی صحیح معماری جهت پیشگیری از جرم، یکی از راه حل های ضروری در امر پیشگیری از جرم می باشد اما رویکرد پلیس جامعه محور و انسان مدار، کل جامعه و لایه های آن را مسئول مبارزه با جرم می داند. در این رویکرد پلیس به عنوان بخشی از جامعه می تواند با هدایت شهروندان و الگو دادن به آن ها بستری مناسب برای مشارکت عموم ی در پیشگیری از وقوع جرم فراهم سازد. در این راستا نقش سیاست گذاران، متخصصان طراحی و مهندسی شهری را نمی توان در کاهش احتمال وقوع جرم از طریق ایجاد محیط های امن و طراحی محیطی پیشگیری از وقوع جرم نادیده گرفت.

اندیشمندان در شناسایی عوامل محیطی بروز جرایم دریافته اند، مکان، انسان، زمان سه عنصر اصلی مؤثر در شکل گیری رفتار مجرمانه است؛ بنابراین تفاوت در شرایط مکانی، زمانی و رفتاری سبب توزیع جغرافیایی متفاوت بزهکاری می شود. بررسی ها نشان می دهد بزهکاران در انتخاب محل و زمان انجام رفتارهای مجرمانه خود منطقی و سنجیده عمل می کنند و تنها مکان هایی را بر می گزینند که امکان ارتکاب جرم در آن سهل تر باشد و سریع تر بتوان از محل فرار نمود. امروزه شهرنشینی و شهرگرایی به صورت یک پدیده اجتماعی در کلیه جوامع مطرح شده است. اگر نگاهی هرچند مختصر به جمعیت شهری در جهان بیندازیم به خوبی در می یابیم که هم اکنون نیمی از جمعیت جهان در شهرها زندگی می کنند. نرخ سریع رشد جمعیت شهری توانایی دولت ها را در تأمین خدمات اولیه از یک طرف و جلوگیری از معضلات و آسیب های اجتماعی از طرفی دیگر محدود می سازد. در این روند آنچه به صورت یک حقیقت ناخوشایند در محیط شهری رخ می نماید، گسترش بیش از پیش جرم و جنایت است

منابع و مآخذ:

۱. حسینیون، سولماز، (۱۳۹۲)، بزه در شهر از دیدگاه طراحی شهری، مجله شهرداری ها، سال چهارم، شماره سی و نه. ص ۱۳
۲. حناچی، مسعود، مژگانی، پروانه، (۱۳۸۹)، پیشگیری از جرائم شهری از طریق طراحی محیطی، نخستین همایش ملی پیشگیری از جرم، تهران، ناجی نشر.
۳. حیدری غلامحسن، کارگر بهمن، منافی سیده سمیه، خراسانیان میترا پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی (مطالعه موردی: زنجان) فصلنامه نگرش های نو در جغرافیای انسانی، سال چهارم، شماره ۱، زمستان ۱۳۹۰ ص ۱۱.
۴. حیدری غلامحسن، کارگر بهمن، منافی سیده سمیه، خراسانیان میترا پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی (مطالعه موردی: زنجان) فصلنامه نگرش های نو در جغرافیای انسانی، سال چهارم، شماره ۱، زمستان ۱۳۹۰ ص ۲۴.
۵. خوش نمک، زهره، (۱۳۹۰)، فضاهای بدون دفاع ناشناخته برای مسئولان شهری، مجله شهرداری ها، سال سوم - شماره سی و چهارم، ص ۷۹
۶. دهخدا، علی اکبر (۱۳۶۸): فرهنگ لغت، تهران انتشارات امیر کبیر.
۷. شهبازی، فاطمه، (۱۳۸۳)، پیاده رو گذری فراموش شده در شهر، مجله شهرداری ها، سال ششم، شماره شصت و هفت. ص ۱۳۶
۸. شیرینی، عباس، (۱۳۸۹)، درآمدی بر پیشگیری وضعی و گونه های آن، نخستین همایش ملی، پیشگیری از جرم (۱۳۸۷)، تهران، ناجی نشر، ص ۸۸.

۹. صالحی، اسماعیل (۱۳۸۷). ویژگی های محیطی فضاهاى شهری امن. تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقات شهرسازی و معماری، ص ۵۶
۱۰. صفاری، علی، (۱۳۹۰)، *مبانی نظری پیشگیری از وقوع جرم، مجله تحقیقات حقوقی، شماره سی و چهارم و سی و سه*. ص ۶۹
۱۱. عباسی ورکی، الهام (۱۳۸۷) شناسایی و تحلیل فضایی کانون های جرم خیز شهر قزوین با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی، نمونه موردی: بزه قاچاق و سوء مصرف مواد مخدر در شهر قزوین، پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه زنجان، زنجان. ص ۱۶۹
۱۲. عبداللهی حقى، مریم، (۱۳۸۹)، *تحلیل جغرافیایی نوع و میزان جرائم در بخش مرکزی شهرها، نخستین همایش ملی پیشگیری از جرم (۱۳۸۷)*، تهران، ناجی نشر. ص ۷۹
۱۳. عسگری، علی (۱۳۹۰). تحلیل های آمار فضایی با ARC GIS اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران، چاپ اول، انتشارات سازمان فناوری، تهران. ص ۲۱
۱۴. علی آبادی، جواد (۱۳۹۱) نقش فضاهاى شهری در تأمین امنیت اجتماعی، سازمان. شهرداریها و دهیارها، ماهنامه شهرداریها، شماره ۴۱. ص ۴۶.
۱۵. فتوحی، حمید، (۱۳۹۱)، *اصول طراحی پیاده رو، مجله شهرداری ها، سال چهارم، شماره ی سی و نه تهران*. ص ۲۵.
۱۶. قدوسی، مهران، (۱۳۸۹)، *پارک های شهری: دیروز، امروز، فردا، مجله شهرداری، سال دوم، شماره بیست و یکم*. ص ۱۹
۱۷. کوسان، موریس، «نظارت ویدئویی دلایل موفقیت و شکست»، ترجمه شهرام ابراهیمی، مجله علوم اسلامی رضوی، شماره ۱۴ و ۱۵، بهار و تابستان ۸۴، ص ۳۲۳
۱۸. گلی پور، مرجان، عظیمی نورالدین، (۱۳۸۹)، *پیشگیری محیطی از جرم، نخستین همایش ملی پیشگیری از جرم، تهران، ناجی نشر*. ص ۱۲۸.

Evaluating the impact of urban environment strategies with the legal approach on crime prevention in the city of Nourabad Mamasani

Abdollah Mirfardi¹, Seyed Ahmad Razavi²

1. M.A student of criminal law and criminology, Islamic Azad University, Branch of Farahan
lecturer of criminal law and criminology, Islamic Azad University, Branch of Nourabad Mamasani

Abstract

One of the problems that large cities are nowadays facing is the population growth and consequently the crime growth. Identifying the causes of crime and trying to overcome the problems in this way has long been known as the most important strategy for crime prevention. The present study aims to investigate the strategies of urban environment with a legal approach and their impact on crime prevention in the city of Nourabad Mamasani. This is a descriptive-survey study with a population of 187 policemen from Nourabad City police personnel who were continuously active in the area of crime prevention. A total of 47 policemen were selected from among the study population as the sample size and a questionnaire was distributed among them. The data collection tool used in this study is a 23-item questionnaire designed based on the research hypotheses. Findings show that the rush or crowdedness of the urban environment, anonymity in the urban environment, relationships with corrupt friends and peers in the urban environment and the reduced quality of life in the urban environment have a significant positive impact on crime perpetration.

Keywords: urban environment strategies, crime and delinquency, crime prevention, social security enhancement, city of Nurabad Mamasani
